

رساله «محکم و متشابه» به مثابه سندی بر عقلانی بودن فقه شیعه در عصر حضور

چکیده

این مقاله گویای روش فقهی شیعه در عصر حضور است. نگارنده برخلاف دیگران عقیده دارد روش عقلانی و استدلالی در فقه بین اصحاب امامان مرسوم بوده و افرادی چون فضل بن شاذان، ابان بن تغلب و اصحاب اجماع به دستور و تعلیم ائمه معصوم علیهم السلام، مأموریت داشته‌اند نیاز فقهی جامعه را از راه ردّ فروع به اصول برطرف سازند. شواهد این ادعا از قرار زیر است:

الف: چهار هزار حدیث که متضمن کلیات فقهی و قواعد اصولی است.
ب: اسناد کهنی که توسط اصحاب امامان در همان عصر حضور به صورت کتاب تدوین گشته است. یکی از این اسناد رساله «محکم و متشابه» منسوب به سید مرتضی است. این کتاب در عصر حضور تدوین و انتشار یافته است. و بزرگان از علمای امامیه آنرا ستوده‌اند. در این کتاب با پذیرش حسن و قبح عقلی در سایه رهبری امام معصوم روش صحیح استنباط احکام شرعی از کتاب و سنت توأم با بهره‌گیری از مستقالات عقلی و راهیابی به ملاکات قطعی تبیین گشته و استفاده از سلیقه‌های شخصی (قیاس استحکام) به شدت مورد نکوهش قرار گرفته است. این سند گران‌قیمت برای فقیهان، مفسران و حقوق‌دانان اسلامی از بهترین منابع اصیل می‌باشد.

بخش اول: روش عقلانی فقه شیعه در عصر حضور

معروف است که شیعیان در عصر حضور ائمه و دسترسی به آنان که تا پایان غیبت صغری ادامه داشته است، نیاز به استدلال و استفاده از قواعد اصولی نداشتند. زیرا با رجوع به ائمه، احکام دینی را از ایشان دریافت می‌کردند. بر این اساس نیازی به رجوع به منابع فقهی از جمله دلایل عقلی برای شیعه وجود نداشته تا این که زمان غیبت صغری پایان یافت و با قطع فیض دسترسی به معصوم نیاز به اصول فقه و استفاده از دلایل عقلی احساس شد. آن‌گاه ابن جنید اسکافی و ابن ابی عقیل عمّانی اقدام به استفاده از روش استدلال کرده و این باب را به روی شیعه باز نمودند.^۱

مرحوم مظفر می‌نویسد آنچه شاهد آن هستیم اولین متنی که عقل را از منابع فقهی قرار داده است از مرحوم مفید است که توسط شاگردش مرحوم کراچکی در کتاب *کنز الفوائد* منتشر گردیده است.^۲

نگارنده این نظر را مخدوش می‌داند. زیرا از روایات بسیاری که در دسترس همگان قرار دارد استفاده می‌شود که در اثر گستردگی بلاد اسلامی و پراکنده بودن شیعیان در بلاد دور دست و جو اختناق حاکم در زمان حضور، راه‌یابی به امامان در طول دوره حضور برای اکثر شیعیان میسر نبوده است. بر این اساس به جمعی دانشمند صاحب نظر که با رجوع به منابع فقهی و استفاده از دلایل نقلی و عقلی مشکل فرهنگی آنان را بر طرف نمایند، نیاز بوده است.

شواهد و دلایل این نظر بسیار است که به بعضی از آن‌ها اشاره می‌شود:

۱- احتجاجات ائمه و اصحاب آنان با علمای ادیان و مذاهب بر اساس حسن و قبح عقلی و داده‌های فطری که در کتاب *احتجاج طبرسی* و *بحار الانوار* به وفور موجود است. در این احتجاجات اصحاب ائمه به تعلیم آن بزرگواران در ردّ قیاس و استحسان تا حدّی که مافوق برای آن یافت نمی‌شود به استدلال و احتجاج برخاسته‌اند.

۲- بیان علل تشریع و اعطاء ضابطه در توسعه احکام که کتاب *علل الشرایع* گواه بر آن است. اعطای ضابطه به صورت علت با قیاس مصطلح متفاوت بوده و دامنه فقه

۱. عبدالعزیز ابن برّاج الطرابلسی، *المهتدب*، ج ۱، ص ۲۴، مقدمه آیت الله سبحانی.

۲. محمد رضا مظفر، *أصول الفقه*، ج ۲، ص ۱۲۲.

را در تمام ابواب گسترش می‌دهد. البته باید توجه داشت تشخیص موارد و تفکیک حکمت از علت تنها به دست فقیهان زبده امکان دارد. مرحوم آیت الله حائری می‌فرمود تعلیلی که در توقیع شریف «فأنهم حجتی علیکم» آمده، ولایت فقیه را در تمام شئون اجتماعی، اقتصادی، قضایی و سیاسی تعمیم می‌دهد.^۱ در بحث استصحاب با این که روایات مربوط به باب طهارت و نماز است و لکن چون مشتمل بر تعلیل است این قاعده را در تمام ابواب فقهی گسترش می‌دهد. و چون ائمه اهل بیت (علیهم‌السلام) انظار فقهی و اعطای این ضوابط را به پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وآلهم‌وسلم) استناد می‌دادند علمای اهل سنت با حفظ مبانی خودشان می‌توانند از اخبار اهل بیت (که به اتفاق فقها مورد وثوق می‌باشند) در انظار فقهی و حقوقی استفاده کنند و با این شیوه برهانی خود را از بن‌بست قیاس ظنی و استحسان خیالی خلاص کنند و ما می‌توانیم با ارائه این شیوه و نشر محاسن کلام اهل بیت گام بزرگی در تقریب مذاهب اسلامی برداریم.

۳- وجود کتاب‌هایی که از فضل بن شاذان و یونس بن عبدالرحمان و امثال ایشان در مسائل فقهی تدوین شده است. این کتاب‌ها نزد مرحوم کلینی و صدوق بوده و ایشان این آراء فقهی را در کتب خود وارد کرده‌اند.^۲ استدلال فقهی این بزرگان در حدی از قوت است که امثال محقق حلی متوفای ۶۷۳ که از بزرگ‌ترین فقیهان امامیه محسوب می‌شود، آن‌را مطرح و سرانجام از آن طرف‌داری می‌کند. برای نمونه مرحوم محقق در بحث میراث مجوس می‌گوید: اصحاب در ارث مجوس اختلاف دارند. یونس بن عبدالرحمن موضوع ارث را دائر مدار علقه صحیح اسلامی دانسته است؛ چه در علقه زوجیت و چه در پیوند قرابت (خویشاوندی) و فضل بن شاذان موضوع را در علقه خویشی دائر مدار قوانین خودشان و در علقه زوجیت دائر مدار زوجیت صحیح اسلامی دانسته است.^۳ محقق سرانجام قول فضل را بر اقوال دیگر ترجیح داده است.^۴

۱. تقریرات درس آیت الله حائری توسط نگارنده.

۲. محمد بن یعقوب الکلینی، الکافی، ج ۶، ص ۹۳.

۳. آن‌چه فضل بن شاذان در ارث خویشان اختیار کرده است منشأ اصطلاحی حقوقی گشته و بر اساس آن حقوقدانان ایرانی در مورد احوال شخصیه اقلیت‌های دینی، قانون خودشان را حاکم می‌دانند.

(سید حسن امامی، حقوق مدنی، ج ۱، ص ۱۱).

۴. جعفر بن الحسن الحلی (محقق حلی)، المختصر النافع، ص ۲۷۶.

۴- تقسیم‌بندی اصحاب به فقیهان و راویان که خود بیان‌گر آن است که گروهی از اصحاب ائمه مانند ابان بن تغلب و اصحاب اجماع از مقام فقاہت مصطلح برخوردار بوده‌اند.

۵- ترغیب ائمه برای تدبّر در قرآن و سنت در فرایند تکامل فقه و ردّ فروع به اصول کلی نظیر آنچه عبد الاعلی مولی آل‌سام از امام صادق علیه السلام نقل کرده است وی می‌گوید در اثر آسیبی که به پایم رسید ناخن پایم شکست روی آن را بستم. درباره وضوء و وظیفه خود را از امام سؤال کردم. امام با لحن تویخ‌آمیز فرمود حکم امثال این جریان‌ها را می‌توان از قرآن کریم استخراج کرد. زیرا به موجب قرآن در احکام دینی و وظایف شرعی، واجبات حرجی مرفوع است و چون بازکردن روی زخم و رساندن آب وضو به پوست بدن حرجی است بر همان انگشت باند پیچی شده مسح نمودن کافی است.^۱

ابن ادریس در کتاب *سرائر* از امام صادق و حضرت رضا نقل کرده است که ما کلیات را بر شما القا می‌کنیم و شما آن را بر موارد و مصادیق آن تطبیق داده و با رد فروع به اصول وظیفه دینی را مشخص کنید.^۲ این گونه کلیات در حدی است که مرحوم میرزا محمد هاشم خوانساری (برادر صاحب *روضات الجنات* معروف به چهار سوقی) آن را در سه جلد کتاب با نام *اصول آل رسول* علیه السلام جمع‌آوری کرده است.

مرحوم سید عبدالله شبّر نیز کتاب *الاصول الاصلیه* و مرحوم صاحب وسائل کتاب *الفصول المهمّة* را به همین منظور تدوین نموده‌اند.

۶- تفکیک بین اصل و کتاب. اصحاب ائمه در عصر حضور ۶۶۰۰ کتاب تدوین نموده‌اند که از میان آن‌ها تنها ۴۰۰ نوشته به عنوان اصل شناخته شده است.^۳ اصل نام کتابی است که محتوای آن احادیثی است که مؤلف از کتاب دیگر مأخوذ نداشته بلکه مسقیماً از معصوم و یا از راویان شنیده و اجتهاد خود را در آن داخل نکرده ولی کتاب از این ویژگی‌ها برخوردار نیست.^۴

۱. محمد بن الحسن الحرّ العاملی، *وسائل الشیعة*، ج ۱، ص ۴۶۴.

۲. محمد باقر المجلسی، *بحار الانوار*، ج ۲، ص ۲۴۵.

۳. سید محسن الامین، *ایان الشیعة*، ج ۱، ص ۱۰۳؛ احمد بن محمد النراقی، *عوائد الایام*، ص ۵۹۳.

۴. مرحوم نراقی اصل را کتابی می‌داند که از کتاب دیگر مأخوذ نبوده و مورد اعتماد اصحاب نیز باشد. (*عوائد الایام*، ص ۵۹۳)

رساله «محکم و متشابه» سند عقلانی بودن فقه شیعه در عصر حضور □ ۲۰۹

کتب اصحاب ائمه، اسناد کهن نامیده می‌شود که یکی از این اسناد کهن کتاب محکم و متشابه است که این مقاله در این رابطه تدوین و در اختیار خوانندگان قرار می‌گیرد.

بخش دوم: کتاب محکم و متشابه یا سند عقلانی بودن تفکر شیعه در عقائد و فروع فقهی در عصر حضور

۱. دیدگاه علمای شیعه نسبت به رساله محکم و متشابه

ابتداءً انظار بزرگان علمای امامیه و حافظان ارزش‌ها و میراث فرهنگی مذهب حق اثنی عشریه را مرقوم و در ادامه نقد و بررسی این نظرات ارائه می‌شود.

۱- ۱. علامه مجلسی

علامه مجلسی کتاب محکم و متشابه را از منابع کتاب بحار الانوار قرار داده است و در مجلد اوّل بحار می‌نویسد: محتوای این کتاب حدیثی است که امام جعفر صادق علیه السلام آن را از جدّش امیر المؤمنین علیه السلام روایت نموده و آن را محمد بن ابراهیم نعمانی در تفسیر خود درج کرده است.^۱

ایشان در بخش کتاب قرآن بحار الانوار می‌نویسد: «بابُ ماوردَ عَنْ أمير المؤمنين عليه السلام فِي اصْنَافِ آيَاتِ الْقُرْآنِ وَ اَنْوَاعِهَا وَ تَفْسِيرِ بَعْضِ آيَاتِهَا بِرِوَايَةِ النِّعْمَانِيِّ وَ هِيَ رِسَالَةٌ مُفْرَدَةٌ مُدَوَّنَةٌ كَثِيرَةُ الْفَوَائِدِ».^۲

۲- ۱. صاحب وسائل الشیعه

محدث خبیر محمد بن حسن حرّ عاملی صاحب کتاب وسائل الشیعه (متوفای ۱۱۰۴) این کتاب را به عنوان رساله محکم و متشابه سید مرتضی از منابع وسائل الشیعه قرار داده است و آن را طبق سلسله سندی که به شیخ طوسی منتهی می‌گردد روایت کرده است.^۳

۱. محمد باقر المجلسی، بحار الانوار، ج ۱، ص ۱۰.

۲. همان، ج ۹۰، ص ۱.

۳. محمد بن الحسن الحرّ العاملي، وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۲۷.

۳ - ۱. علامه سید محسن امین

مرحوم سید محسن امین در کتاب معروف *أعيان الشيعة* به طور جزم و صریح ادعا می‌کند که محتوای رساله محکم و متشابه حدیثی است که از امیر المؤمنین علیه السلام به صورت املاء روایت شده که وی آنرا به چند سند متصل یافته است. سپس یکی از آن سندها را به تفصیل آورده و در پایان می‌نویسد: «هو الاصل لكل من كتب في انواع علوم القرآن».^۱

۴ - ۱. علامه تهرانی

علامه حاج شیخ آقابزرگ تهرانی در کتاب *الذريعة إلى تصانيف الشيعة* می‌گوید: کتاب «محکم و متشابه» از کتاب‌هایی است که آنرا علامه مجلسی و محدث حرّ عاملی و محدث بحرانی به سید مرتضی علی بن حسین موسوی متوفای ۴۳۶ نسبت داده‌اند و وجه منسوب دانستن این کتاب به نعمانی توسط برخی از محدثان، مطلبی است که در مقدمه این کتاب آمده و آن این است که سید مرتضی در مقدمه بعد از معرفی ائمه علیهم السلام به عنوان تنها مرجع تفسیر مشکلات قرآن می‌نویسد دلیل بر این امر «ما رواه النعمانی فی تفسیره عن الصادق علیه السلام».^۲

۵ - ۱. شیخ انصاری

شیخ اعظم معروف به خاتم المجتهدین در اول کتاب مکاسب محرّمه بر این کتاب به عنوان رساله «محکم و متشابه» سید مرتضی اعتماد نموده و بعضی از جملات آنرا به عنوان کلیات فقه نقل کرده است^۳ و بعد از ایشان فقیه خبیر سید محمد کاظم یزدی صاحب کتاب «العروة الوثقی» به پیروی از شیخ بر آن اعتماد کرده است.^۴

۶ - ۱. مرحوم فیض کاشانی

مفسر و محدث کم‌نظیر مرحوم فیض کاشانی در مقدمه تفسیر صافی بخشی از رساله

۱. سید محسن الأمين، *أعيان الشيعة*، ج ۱، ص ۹۰.

۲. محمد محسن آقا بزرگ تهرانی، *الذريعة إلى تصانيف الشيعة*، ج ۲۰، ص ۱۵۴.

۳. مرتضی الانصاری، *المکاسب*، ج ۱، ص ۱۲.

۴. سید محمد کاظم الطباطبائی الیزدی، *حاشیة المکاسب*، ج ۱، ص ۲.

رساله «محکم و متشابه» سند عقلانی بودن فقه شیعه در عصر حضور □ ۲۱۱

را به عنوان تفسیر نعمانی نقل و به آن اعتماد کرده است.^۱

۷- ۱. آیت الله سید حسن صدر

مرحوم آیت الله سید حسن صدر که از علمای بزرگ امامیه و از شاگردان به نام میرزای بزرگ شیرازی است در کتاب *تأسیس الشیعه لعلوم الاسلام* می نویسد: اولین کتاب جامع علوم قرآن که مشتمل بر ۶۰ نوع از انواع علوم قرآن است رساله محکم و متشابه است، این کتاب از کتاب هایی است که مضمون آن را امیر المؤمنین علیه السلام برای یکی از شاگردان خود املاء نموده و آن در عصر حاضر موجود و نزد من یک نسخه قدیمی آن محفوظ و مضبوط می باشد و آن را به چندین طریق روایت می کنم. این کتاب معروف به تفسیر نعمانی (محمد بن ابراهیم بن جعفر نعمانی تلمیذ کلینی) است. و آن را سعد بن عبدالله اشعری قمی متوفای (۳۰۱ یا ۲۹۹ قمری) نیز به صورت کتاب مستقل روایت می کند.^۲ و در جای دیگر می نویسد محمد بن حسن شیبانی از بزرگان علمای امامیه و اساتید شیخ مفید در مقدمه کتاب تفسیر خود به نام «*نهج البیان عن کشف معانی القرآن*» ۶۰ نوع از علوم قرآن را مرقوم داشته که سید مرتضی آن را در رساله محکم و متشابه نقل نموده است.^۳

۸- ۱. نتیجه گیری

با گواهی خبرگان فن چون علامه مجلسی، شیخ حر عاملی، شیخ اعظم انصاری، سید محمد کاظم طباطبایی یزدی، سید محسن امین، سید حسن صدر و علامه حاج شیخ آقا بزرگ تهرانی، برای انسان منصف اطمینان حاصل است که رساله محکم و متشابه کتابی است اصیل و اسناد آن به هر یک از سید مرتضی و نعمانی صحیح می باشد.

۲. دفع شبهات

علی رغم آن چه مرقوم گردید بعضی از نویسندگان شبهاتی القاء کرده اند که باید نقد

۱. محمد محسن فیض الکاشانی، تفسیر الصافی، ج ۱، ص ۳۸.

۲. سید حسن صدر، تأسیس الشیعه، ص ۳۳۴.

۳. همان، ص ۳۳۵.

و بررسی شود.^۱

الف: اگر این کتاب از مؤلفات سید مرتضی است، چرا علمای تراجم و فهرست‌نویسان آنرا در آمار کتاب‌های سید نیاورده‌اند؟

جواب: چون در مقدمه تصریح شده که این رساله از تفسیر نعمانی استخراج شده است، قدمای اصحاب آنرا به نعمانی منسوب نموده و با این محاسبه در شمار تألیفات سید نیاورده‌اند، حتی علامه مجلسی که تمامی آنرا در کتاب قرآن بحار الانوار درج نموده است، با این حال آنرا به عنوان رساله محکم و متشابه معرفی نکرده و به عنوان بخشی از تفسیر نعمانی معرفی کرده است.

ب: اگر محتوای کتاب از امیر المؤمنین بوده و نعمانی آنرا روایت کرده است، پس چرا از فصاحت و بلاغت نهج البلاغه برخوردار نیست؟

جواب: برای پاسخ به این شبهه باید گفت اگر معیار صحت روایات منسوب به امیر المؤمنین (علیه السلام)، هم‌سویی با نهج البلاغه باشد، باید تمام روایاتی که در ابواب فقهی از امیر المؤمنین (علیه السلام) منقول است، مجعول دانست. و بنابر آن رساله ظریف بن ناصح که کهن‌ترین اثر شیعی در باب دیات است و مشایخ فقه و حدیث به آن اعتماد کرده‌اند مورد تشکیک قرار می‌گیرد.

حل مشکل به این است که امیر المؤمنین (علیه السلام) گاهی در مقام ارائه کلام با فصاحت و بلاغت بوده و روی سخن ایشان، دانشمندان و سخن‌شناسان بوده و در این مقام چنان اعجاز نموده که گفته‌اند کلام او «دون کلام خالق و فوق کلام مخلوق است» و سید رضی این‌گونه کلمات را گل‌چین و به صورت نهج البلاغه در آورده است. ولی هنگامی که در مقام بیان مسائل شرعی و احکام فقهی بوده و مخاطبشان توده مردم بوده‌اند، به‌طور معمول و فراخور افکار و فهم ایشان سخن گفته‌اند.

ج- ضعف سند: درباره سند کتاب گفته‌اند این متن را سیدمرتضی چنین نقل فرموده است: «قال أبو عبدالله محمد بن ابراهیم بن جعفر النعمانی^۲ (رضی الله عنه) فی کتابه فی تفسیر القرآن احمد بن محمد بن سعید بن عقدة قال حدثنا احمد بن

۱. ر.ک: محمد هادی المعرفة، صيانة القرآن من التحريف، ص ۲۲۴.

۲. وی از علمای بزرگ امامیه و از معاصرین شیخ کلینی است.

رساله «محکم و متشابه» سند عقلانی بودن فقه شیعه در عصر حضور □ ۲۱۳

یوسف بن یعقوب الجعفی عن اسماعیل بن مهران عن الحسن بن علی بن ابی حمزة عن أبیه (علی بن ابی حمزه) عن إسماعیل بن جابر قال سمعت ابا عبد الله^۱.
در این سند تمام افراد از ثقات و مورد اعتمادند مگر حسن بن علی بن ابی حمزه و پدرش علی بن ابی حمزه که هر دو از پیشگامان فرقه واقفیه‌اند و مورد طعن علمای رجال بلکه مورد قدح معصوم قرار گرفته‌اند.

جواب: این شبهه هم قابل جواب است به این بیان که محتوای کتاب به صورت حدیث منقول از امام صادق علیه السلام است و مذهب واقفی بعد از شهادت حضرت کاظم علیه السلام اختراع گردیده با این محاسبه مشخص می‌شود که نقل مربوط به زمان استقامت اعتقادی ایشان است و طعن‌های وارده مربوط به عصر امامت حضرت رضا علیه السلام است و چون معیار در وثاقت زمان نقل روایت است نه زمان متأخر از آن، جایی برای تضعیف سند نیست. و می‌توان جواب دیگری هم به این شبهه داد به این بیان که اسناد مذکور نوعاً سند به کتاب است و اصل کتاب به تواتر ثابت بوده است. مشایخ برای اتصال رابطه بین خود و بین صاحب کتاب اقدام به ذکر سند کرده‌اند و بر این اساس ضعف سند اصول اصحاب ائمه، در صحت محتوا اختلال ایجاد نمی‌کند. چون اثبات اصالت اصول به تواتر است نه به سند ارائه شده.

۳. محتوای رساله محکم و متشابه

۱-۳. چنان‌که قبلاً گفته شد محتوای این کتاب حدود ۶۰ علم از انواع علوم قرآنی است و آنرا حضرت امیر المؤمنین علیه السلام بر بعضی از اصحاب خود املاء نموده و امام صادق علیه السلام آنرا برای اسماعیل بن جابر نقل کرده است.

محمد بن ابراهیم بن جعفر نعمانی (از اصحاب شیخ کلینی) آنرا در کتب تفسیرش درج نموده و سپس سید مرتضی این متن را از آن تفسیر استخراج و به شکل کتاب مستقل ارائه کرده است. محدث قمی در کتاب *فوائد الرضویة* تصریح نموده که آنچه در حال حاضر به عنوان کتاب محکم و متشابه موجود است، خلاصه‌ای از آن چیزی است که نعمانی روایت کرده است.^۲ علامه مجلسی تمام این

۱. محمد بن الحسن الحرّ العاملی، *وسائل الشیعة*، ج ۳۰، ص ۱۴۴.

۲. عباس القمی، *فوائد الرضویة*، ج ۲، ص ۳۷۸.

کتاب را در بخش قرآن بحار الانوار^۱ درج کرده و می‌گوید: سعد بن عبدالله اشعری قمی نیز همین متن را با اضافاتی تدوین و انتشار داده و علی بن ابراهیم نیز آن را در مقدمه تفسیرش آورده است.^۲

در هر حال این کتاب در علوم قرآن اولین متنی است که به جامعه اسلامی ارائه شده و به استحکام آن از بدو امر تا به امروز در علوم قرآن متنی جامع نگاشته نشده است. این کتاب ضمن بررسی علوم قرآن سرشار از قواعد کلی کلامی، فقهی و اصولی است.

۲-۳. می‌توان گفت این کتاب تلفیقی است از روایات صادره از امیرالمؤمنین (علیه السلام) و سایر معصومین (علیهم السلام) درباره روش بهره‌برداری صحیح از قرآن کریم که توسط بعضی از دانشمندان شیعی به صورت کتاب درآمده است. نظیر محتوای نهج البلاغه که توسط مرحوم سید رضی گردآوری شده است. با این فرق که سیدرضی در صدد ارائه هنر کلامی امام بوده ولی گردآورنده این کتاب در صدد ارائه روش بهره‌گیری از قرآن در کلام، اخلاق و احکام فقهی است و در اثر محتوای بی‌همتای آن فقیهان و مفسران شیعی چون سعد بن عبدالله علی بن ابراهیم نعمانی و سیدرضی بر آن اعتماد کرده‌اند.

در هر حال محتوای این کتاب گران‌قدر معرف طرز تفکر امامیه و پیشگامی آنان در علوم اسلامی است. در این کتاب به خوبی مشخص می‌شود که علمای امامیه در همان عصر حضور در فرایند تکامل عقیدتی، اخلاقی و فقهی و تفسیری با این که به امام معصوم دسترسی داشتند و می‌توانستند مشکل شخصی خود را از راه سؤال از معصوم حل نمایند جمعی از ایشان به دستور امامان از روش‌های عقلانی و قواعد کلی فقهی و اصولی استفاده می‌کرده‌اند.

۳-۳. در این کتاب که در عصر تحجر سنت‌گرایان اشعری مسلک انتشار یافته است، روش عقلانی شیعه در محدوده عقل نظری (جهان بینی استدلالی) به خوبی نمایان است. و نیز پذیرش مستقلات عقلی در عقل عملی زیربنای کلیه مطالب فقهی و کلامی این میراث فرهنگی است. ولی در جهت راه‌یابی تمام و کامل به ملاکات

۱. محمد باقر المجلسی، بحار الانوار، ج ۹۰، ص ۱.

۲. همان، ج ۶۶، ص ۲۹.

رساله «محکم و متشابه» سند عقلانی بودن فقه شیعه در عصر حضور □ ۲۱۵

احکام، عقل را بدون راهنمایی شارع نارسا معرفی نموده است.^۱ و از این رهگذر نیاز بشر را به ارسال رسل و وحی الهی ثابت نموده است و این همان مطلبی است که خواجه نصیر الدین طوسی در تجرید الاعتقاد و علامه حلی در شرح آن به نام کشف المراد^۲ در جواب براهمه^۳ گفته‌اند.

براهمه می‌گویند اگر بعثت انبیاء برای رسیدن به دست آوردهای عقول است با وجود عقل به آن نیازی نیست و اگر برای مخالفت با محصولات عقل است ارزشی برای این امر نیست.

خواجه و علامه فرموده‌اند:

الف: طبق قاعده الواجبات العقلیه الطاف فی الواجبات الشرعیة، دستگاه وحی موکد عقل است.

ب: عقل از درک تمام حقایق عاجز و از احاطه به تمام اسرار خلقت قاصر است. بر این اساس هدایت شرعی لازم و ارسال رسل در جهت تکامل عقل است. در این کتاب بحث عام و خاص، امر و نهی، ناسخ و منسوخ، محکم و متشابه، مجمل و مبین، رخصت و عزیمت و بسیاری از اصطلاحات و قواعد اصول که بیان‌گر فقه استدلالی شیعی است به چشم می‌خورد.^۴

۴ - ۳. در این کتاب روش اهل سنت که کمبود فقه را از راه قیاس و استحسان و امثال آن جبران می‌کنند شدیداً مورد نقد قرار گرفته و در یک تحلیل فنی بطلان این روش هویدا گشته است و آن تحلیل چنین است: هرگاه قرآن و تفسیر پیامبر نبود راهی برای انجام فرائض نداشتیم زیرا عقل به تنهایی از درک فرائض و ملاکات آن عاجز و قاصر است. زیرا عقل درباره این که نماز ظهر چهار رکعت باشد نه کم‌تر و نه بیش‌تر درکی ندارد و فرقی بین قبل از ظهر و بعد از ظهر نمی‌دهد و وجهی برای

۱. سید مرتضی علم الهدی، رساله المحکم والمتشابه، ص ۹۳؛ «ولو خلینا بین عقولنا و بین هذه الفرائض لم یصح مثل ذلك کله بالعقل علی مجردة - ولی جاز ذلك لاستغینا من ارسال الرسول الینا بالامر و النهی».

۲. حسن بن یوسف بن مطهر الاسدی (علامه حلی)، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، ص ۳۴۸.

۳. پیروان دین قدیم هندیان که به سه خدا عقیده دارند.

۴. سید مرتضی علم الهدی، رساله المحکم والمتشابه، ص ۴.

تقدم رکوع بر سجود نمی‌یابد و در احکام جزایی فرقی بین زنای محصن و غیر محصن نمی‌گذارد و درباره پرداخت زکات بین درهم و دینار با ساختمان و عقار تفاوتی نمی‌گذارد. اگر عقل راهی برای درک این حقایق داشت نیازی به ارسال رسل و تنزیل کتب نبود. این حقایق را با قیاس و استحسان هم نمی‌توان معین نمود. زیرا در پیش‌گاه عقل چه فرقی است بین زنای محصن که حکمش سنگسار است و بین غیر محصن که حد آن صد تازیانه است؟ چه شد که در غصب و غارت قطع ید نیست و در سرقت این مجازات وجود دارد؟ این‌ها اموری نیست که قیاس جواب‌گوی آن باشد. از آنانی که قیاس را از منابع تشریع می‌دانند سؤال می‌شود چه شد که در وضو بر روی پا مسح می‌شود و در حالی که بر اساس معیارهای اهل قیاس کف پا از روی پا در حفظ نظافت اولی و انسب است.^۱

۵ - ۳. در این کتاب کثیری از قواعد فقهی حقوقی و اصولی بیان گردیده که بخشی از آن‌ها عبارتند از:

- قاعده حلال محمد حلال الی يوم القيامة و حرامه حرام الی يوم القيامة.^۲
- قاعدة ان الله يحب ان يؤخذ برخصة كما يؤخذ بعزائه.^۳
- قاعدة تبعیت احکام از ملاکات واقعی؛ الملاکات النفس الامریة.^۴
- قاعدة عصمت انبیاء و الاوصیاء.^۵
- قاعدة قبح ترجیح مفضول بر الفاضل.^۶
- قاعدة رجوع جاهل به عالم.^۷
- قاعدة قبح تکلیف مالا یطاق.^۸

۱. همان، ص ۹۴.

۲. همان، ص ۳.

۳. همان، صص ۵ و ۲۹.

۴. همان، صص ۴۲ و ۹۶.

۵. همان، ص ۴۳.

۶. همان، ص ۴۵.

۷. همان، ص ۵۶.

۸. همان، ص ۹۴.

- قاعده حرمت قیاس وضعاً و تکلیفاً.^۱
 - قاعده شمول امر و نهی نسبت به مواردی که عقل بر آن دلالت دارد.^۲
 - قاعده لاجبر ولا تفویض بل امر بین الامرین.^۳
 - قاعده عرضه روایات یه قرآن و تشخیص درست و نادرست از این شیوه اساسی.^۴
 - قاعده ارجاع متشابهاً قرآن به محکّمات آن.
- در این کتاب علّت رواج رأی و قیاس، اعراض از اهل بیت علیهم السلام دانسته شده است. توضیح این که فقهای عامّه در قرن دوم هجری که ممنوعیت تدوین حدیث برداشته شد خود را در میان انبوهی از روایات ضعیف و خلاف عقل و نقل یافتند. مالک بن انس (متوفای ۱۷۹) مؤسس مذهب فقهی مالکی از میان چهل هزار حدیث، چهار هزار را اختیار کرد و سپس آن تعداد را مورد بررسی و اصلاح قرار داده و به ۱۰۰۸ حدیث تقلیل داد و از آن عدد تنها به سیصد حدیث قاطع بود. ابو حنیفه مؤسس مذهب حنفی از میان کلیه احادیث رایج آن زمان فقط ۱۷ حدیث نبوی را صحیح می‌دانست.^۵ مرحوم سید نعمت اله جزایری می‌نویسد: با تتبعی که در کتاب‌های اهل سنت به عمل آمد مشخص شد احادیث فقهی این طایفه از پانصد حدیث تجاوز نمی‌کند.^۶
- با این روایات اندک برای ابو حنیفه و امثال او چاره‌ای جز انتخاب یکی از این دو راه باقی نمی‌گذاشت؛ پذیرش رهبری علمی و سیاسی اهل بیت علیهم السلام و یا روی آوردن به رأی و قیاس. و چون او راه اوّل را بر خلاف مصالح شخصی خود می‌دانست، راه دوم را انتخاب کرده و خود را گرفتار نفرت محدثان هم کیش خود قرار داد. تا جایی که بخاری صاحب صحیح رسماً او را لعن کرده و می‌گوید مولودی شیرتر از وی در اسلام متولد نشده است. و مالک درباره او چنین گفته است: اگر کسی علیه

۱. همان، ص ۹۴.

۲. همان، ص ۴.

۳. همان، ص ۸۶.

۴. همان، ص ۹۵.

۵. کاظم مدیر شانه‌چی، علم الحدیث و درایة الحدیث، ص ۳۶.

۶. سید نعمه الله الجزایری، زهر الربیع، ص ۳۰۸.

اسلام به شمشیر قیام می‌کرد ضررش از ابوحنیفه کم‌تر بود. و کیع درباره او گفته است: ابو حنیفه با دویست حدیث پیامبر ﷺ مخالفت کرده است.^۱ زمخشری می‌نویسد ابو حنیفه چهارصد حدیث نبوی را رد کرد و از پذیرش آن امتناع ورزید.^۲ طرفداران قیاس و رأی به حدیثی که از معاذ مروی است تمسک کرده‌اند. در این حدیث پیامبر ﷺ کسی که نزد ایشان اظهار می‌دارد، در رخدادهای قضایی که حکم آن در قرآن و حدیث وجود ندارد، به رأی خود عمل می‌کنم، تأیید نمود. در رساله محکم و متشابه^۳ در رد این حدیث چنین آمده است: این حدیث خلاف قرآن است. زیرا قرآن می‌فرماید: ﴿مَا فَرَطْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ﴾^۴ و نیز می‌فرماید: ﴿الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتْمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي﴾^۵ وَ ﴿وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تَبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ﴾^۶ توضیح مطلب این است که بعد از اكمال وحی وظیفه باید به مفسران شریعت یعنی وارثان علوم پیامبر ﷺ رجوع کرد نه به سلیقه شخصی و تخیلات شیطانی. نظیر این مطالب در کتاب /ایضاح فضل بن شاذان نیز آمده که تماماً گویای روش استدلالی شیعه در عصر حضور است.^۷

نیاز بشریت به شریعت

متکلمان برای اثبات نیاز بشر به شریعت از دو راه استدلال می‌کنند:

(الف) از راه مدنی بودن بشر. زیرا در بستر مدنیت و شکل اجتماعی، انسان‌ها نیاز به قانونی دارند که مخلوط به ظلم و توأم با تجاوز نباشد و آن چیزی نیست جز شریعت و وحی آسمانی.

(ب) از راه قاعده لطف. در این کتاب به راه اول اشاره‌ای شده است. زیرا آن روش فقط در فرض زندگی اجتماعی مطرح است. ولی راه دوم فراگیر و شامل

۱. کاظم مدیرشانه‌چی، علم الحدیث و درایة الحدیث، ص ۹۸.

۲. محمود الزمخشری، ربیع الابرار، ج ۳، ص ۱۹۷.

۳. سید مرتضی علم الهدی، رساله المحکم والمتشابه، ص ۹۲.

۴. سوره انعام، آیه ۳۸.

۵. سوره مائده، آیه ۳.

۶. سوره نحل، آیه ۸۹.

۷. محمد محسن الفیض الکاشانی، الاصول الاصلیة، ص ۱۴ - ۵.

رساله «محکم و متشابه» سند عقلانی بودن فقه شیعه در عصر حضور □ ۲۱۹

زندگی فردی هم می‌شود. معصوم درباره اهمیت این راه می‌فرماید، آیه ﴿وَأَفْعَلُوا الْخَيْرَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾^۱ ناظر به اسباب حیات و بقاء بشر است و آن در گرو شریعت و قانون الهی است لذا در بدو امر غیر از آدم و حوا انسان دیگر نبود با این وصف خداوند آنان را بدون امر و نهی (شریعت) رها نکرده فرمان داد ﴿وَكُلَا مِنْهَا رَغَدًا﴾، ﴿وَلَا تَقْرَبَا هَذِهِ الشَّجَرَةَ﴾^۲ آنان را به آنچه نافع بود امر و به آنچه مضر بود نهی نمود، این سنت در نسل ایشان تا قیامت باقی است، و نیاز بشر به وجود رهبری معصوم یک امر ضروری است.^۳

۴. افسانه تحریف

گرچه بعضی از نویسندگان معاصر رساله محکم و متشابه را از منابع قول به تحریف معرفی کرده و به همین جهت این کتاب را مورد قدح و طعن قرار داده‌اند ولی با دقت مشخص می‌شود که این رساله بیان‌گر عدم تحریف است. زیرا در رساله تنها چند آیه مورد تحریف معرفی شده آن هم به شکلی که قابل توجیه و ارجاع به تحریف معنوی و یا در حد اختلاف قرائت است.

۵. تفسیر محکم و متشابه

یکی از فرازهای رساله، تفسیر محکم و متشابه و آثار آن‌ها است. «ثم سألوه (امیر المؤمنین علیه السلام) عن تفسير المحكم من كتاب الله فقال: أَمَّا الْمُحْكَمُ الَّذِي لَمْ يَنْسَخْهُ شَيْءٌ مِنَ الْقُرْآنِ... مِمَّا تَأْوِيلُهُ فِي تَنْزِيلِهِ مِنْ تَحْلِيلِ مَا أَحَلَّ اللَّهُ سُبْحَانَهُ فِي كِتَابِهِ وَتَحْرِيمِ مَا حَرَّمَ اللَّهُ مِنَ الْمَأْكَلِ وَالْمَشَارِبِ وَالْمَنَاقِحِ... وَأَمَّا الْمُتَشَابَهُ مِنَ الْقُرْآنِ فَهُوَ الَّذِي انْحَرَفَ مِنْهُ مُتَّفَقُ اللَّفْظِ مُخْتَلَفُ الْمَعْنَى مِثْلُ قَوْلِهِ عَزَّوَجَلَّ يُضِلُّ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي مَنْ يَشَاءُ»^۴.
چکیده کلام در تفسیر محکم برابر آنچه در رساله آمده است این است که محکم کلامی است واضح و غیر منسوخ (لازم العمل) و نیاز به تأویل و توجیه ندارد

۱. سوره حج، آیه ۷۷.

۲. سوره بقره، آیه ۳۴.

۳. سید مرتضی علم الهدی، رساله المحکم و المتشابه، ص ۴۱.

۴. محمد هادی المعرفة، الصيانة القرآن من التحريف، ص ۲۲۴.

۵. محمد باقر المجلسی، بحار الانوار، ج ۹۰، ص ۱۲.

بلکه همان تنزیل (نفس آیات نازل) مفید مقصود است. و اما متشابه کلامی است که دارای معانی متعدّد و مختلف است و بدون ارجاع به محکّمات و رهبری معصوم قابل عمل نیست. چون لفظ ضلالت که دارای انواع ممدوح و مذموم است. در هر جایی به یکی از معانی مختلف باید تفسیر شود مثلاً ضلالت در:

﴿وَأَضَلَّهُمُ السَّامِرِيُّ﴾^۱ و ﴿رَبِّ إِنَّهُنَّ أَضْلَلْنَ كَثِيرًا مِّنَ النَّاسِ﴾^۲ ضلالت مذموم و در ﴿أَن تَضِلَّ إِحْدَاهُمَا فَتُذَكِّرَ إِحْدَاهُمَا الْأُخْرَى﴾^۳ و ﴿وَوَجَدَكَ ضَالًّا فَهَدَى﴾^۴ ضلالت ممدوح بوده و با هم فرق دارند و نمی‌توان همه را یک نواخت معنا کرد.

بحث درباره محکم و متشابه قرآن دامنه وسیع دارد و مورد اختلاف نظر مفسران است تا حدی که به گفته علامه طباطبایی بیش از ۲۰ قول در مسأله وجود دارد و بنای این مقاله رسیدگی به آن بحث نیست لذا به همین اندازه اکتفاء می‌شود.

۶. تجسّم اعمال

در رساله از پیامبر ﷺ نقل شده که در جریان معراج داخل بهشت شدم فرشتگانی را دیدم که کاخ‌هایی از طلا و نقره می‌ساختند و گاه‌گاه دست از کار می‌کشیدند، پرسیدم چرا دست از کار می‌کشید؟ جواب دادند چون مصالح ساختمانی تمام می‌شود کار را تعطیل می‌کنیم و منتظر آوردن آن می‌شویم. پرسیدم از کجا هزینه می‌شود؟ جواب دادند از گفتن «سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله والله اکبر» که هرگاه مؤمن بگوید می‌سازیم و هرگاه ساکت شود کار را تعطیل می‌کنیم.

نتایج بحث

الف) کتاب محکم و متشابه از کتاب‌های مورد اعتماد اصحاب است و احادیث آن موافق عقل و نقل است و در هر حال بیان‌گر روش عقلانی و استدلالی فقیهان شیعه در عصر حضور است.

۱. سوره طه، آیه ۸۵.

۲. سوره ابراهیم، آیه ۳۶.

۳. سوره بقره، آیه ۲۸۲.

۴. سوره ضحی، آیه ۷.

رساله «محکم و متشابه» سند عقلانی بودن فقه شیعه در عصر حضور □ ۲۲۱

ب) استفاده از رأی و قیاس مولود اعراض از روایات اهل بیت علیهم السلام است. زیرا با رجوع به روایات ائمه اطهار که حدود ۶۰ هزار حدیث فقهی و اخلاقی است هم آیات الاحکام تفسیر می‌شود و هم بن‌بست‌های فقهی برطرف می‌گردد.

ج) با توجه به کلیات فقهی که در روایات ما آمده، فقه جعفری از ثبات خاصی که با قبض و بسط ویژه توأم است به جهان عرضه و برنامه زندگی فردی و اجتماعی را در تمام شئون برای تمام اعصار و سراسر جهان به نحو قانع کننده تضمین می‌نماید.